

## بررسی نگرش شهروندان میبدی نسبت به آلودگی هوا و عوامل اجتماعی موثر بر آن

مسعود حاجی زاده میمندی<sup>۱</sup>، منوچهر علی نژاد<sup>۲</sup>، کمال رشیدی نژاد<sup>۳</sup>

### چکیده

در عصر حاضر غفلت از محیط زیست و بی توجهی به آن، به شدت، در حال گسترش است. تلاش برای توسعه و شهرنشینی و تامین رفاه و آسایش بشر مضرات و مزایایی برای انسان و طبیعت به همراه داشته و یکی از این مضرات که جامعه و شهروندان عامل آن هستند، آلودگی هوا می باشد. در این پژوهش از رویکردهای نظری سبک زندگی و سرمایه فرهنگی بورديو، شبکه اجتماعی کاستلز و زیست جهان هابرماس و دیگران بهره برده شده است. از آنجا که شهروندان با نگرش و رفتارهای خود می توانند در کاهش و افزایش آلودگی هوا موثر واقع گردند، هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی نگرش شهروندان میبدی نسبت به آلودگی هوا و عوامل اجتماعی موثر بر آن می باشد. این پژوهش از نوع توصیفی، تحلیلی و پیمایشی بوده و جامعه آماری شهروندان ۱۶ سال و بالاتر شهر میبد بوده است بر طبق سرشماری ۱۳۹۵ حدود ۹۷۰۰۰ نفر بوده که از آن حجم نمونه ۴۲۰ نفر به شیوه نمونه گیری کوکران و به صورت نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای انتخاب شده اند. یافته های نشان می دهد که بین متغیرهای سن، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، وضعیت سکونت، میزان درآمد و نگرش شهروندان به آلودگی هوا رابطه ای معناداری وجود دارد اما بین جنسیت و نگرش شهروندان به آلودگی هوا

mhadjizadeh@yazd.ac.ir

m.alinejad@yazd.ac.ir

Rashidimaybodi1346@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۲۳

۱- دانشیار گروه جامعه شناسی دانشگاه یزد (نویسنده مسؤل)

۲- استادیار گروه تعاون و رفاه اجتماعی دانشگاه یزد

۳- کارشناس ارشد جامعه شناسی دانشگاه یزد

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۳/۲۶

رابطه‌ای وجود ندارد. همچنین بین سبک زندگی، سرمایه‌ی فرهنگی، شبکه اجتماعی رابطه‌ی مثبت و مستقیم و بین سودمحوری رابطه‌ی منفی معنادار با متغیر وابسته وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که متغیرهای باقی مانده در مدل رگرسیون ۱۹ درصد از واریانس متغیر وابسته را تعیین و تبیین می‌کنند و متغیرهای سبک زندگی، گرایش به سودمحوری و سن به ترتیب بیشترین نقش را در مدل رگرسیون پژوهش ایفا می‌کنند. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که شهروندان میدی بر اولویت حفظ محیط زیست حتی با وجود درآمد و سود حاصل از کار در کارخانجات تاکید داشته و همچنین مقوله سبک زندگی داری سهم و وزن سهم بیشتری در تبیین متغیر وابسته داشته است که تقویت و تغییر در آن و سرمایه‌ی فرهنگی باعث تغییر در نگرش شهروندان به آلودگی هوا و حفظ محیط زیست می‌گردد.

**واژه‌های کلیدی:** آلودگی هوا، نگرش شهروندان، سرمایه اجتماعی، میدی، یزد

## بیان مسأله

محیط زیست بستر تولید و تکامل بشر است، هر گونه آلودگی در آن مستقیم به انسان برمی‌گردد و از آنجا که رشد جمعیت انسانی زیربنای بسیاری از مشکلات زیست‌محیطی است می‌توان گفت که انسان و محیط در تعامل با یکدیگر اثرات متقابل قابل توجهی بر هم دارند. حال اگر به نقش تاثیرگذار انسان یقین داشته باشیم به این باور که انسان می‌تواند با نگرش و کنش خود مسبب تغییرات گسترده‌ی محیطی شود معتقد خواهیم بود. نگرش، نظامی از عناصر شناختی، احساسی و تمایل به عمل نسبت به هرگونه واقعیت محیطی است (ترکان و کجباف، ۱۳۸۷؛ فریدمن<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۹۷۰؛ کریمی و صفاری‌نیا، ۱۳۸۴). بر اساس مباحث آلپورت<sup>۲</sup> (۱۳۷۱) نگرش‌ها به واسطه‌ی تجارب و تأثیرات متعدد، شکل می‌گیرند و بالاخره این که، نگرش‌ها تأثیرات پویایی بر روی پاسخ افراد به اشیاء، افراد و موقعیت‌ها دارند و به طور مستقیم به اعمال و رفتار ما

---

1. Fridman  
2. Alport

مربوط می‌شوند. تأثیر نگرش‌ها بر رفتار در نگاه اول بدیهی می‌نماید اما رابطه‌ی نگرش و رفتار بسته به موضوع، با پیچیدگی‌های زیادی مواجه است. در این پژوهش، موضوع مدنظر ما که بسی تأثیرپذیر از نگرش و رفتار انسان است، محیط‌زیست می‌باشد. محیطی که انسان در آن زندگی می‌کند همچون عنصری زنده هم تأثیر می‌پذیرد و هم تأثیر می‌گذارد. با صنعتی شدن و تنوع نیازهای انسان و تغییر اساسی در محل زندگی انسان، شهرها به وجود آمدند که با گذر زمان گسترش بی‌رویه‌ی شهری منجر به ایجاد مشکلات زیست‌محیطی شد.

شهر یک پدیده‌ی پویا است. محیط شهری خوب و باهویت مکانی است که تا حدی با شخص، فرهنگ و رفتارهای وی تناسب داشته باشد و ابزاری برای برقراری پیوند بین فرد و جامعه‌اش، گذشته و تاریخش، حیات شهری، زمان و محیط پیرامونش گردد (خطیبی، ۱۳۹۲). برخی از ارزش‌ها هستند که از بین رفتن آن‌ها، شهر و شهروندان را بی‌هویت خواهد ساخت. یکی از عواملی که به ارزش‌های شهری با صنعتی شدن جوامع آسیب وارد می‌کند مخاطرات زیست محیطی و انواع آلاینده‌های شهری هستند.

تعاریف متعددی برای آلودگی هوا ارائه شده است. انجمن مشترک مهندسين آلودگی هوا و کنترل آن، آلودگی هوا را بدین صورت تعریف کرده است: آلودگی هوا عبارت از وجود یک یا چند آلاینده در هوای آزاد مانند گازها، بخارات، گرد و غبار، بو، دود غلیظ که برای زندگی انسان، حیوان و گیاه خطرناک بوده و برای اموال مضر باشد و یا به طور غیرقابل قبول مانع استفاده راحت از زندگی و اموال گردد (اصیلیان و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۷). منابع عمده آلودگی هوا عبارتند از منابع طبیعی (طوفان گرد و غبار، فعالیت آتشفشانی، دود و خاکستر، آتش سوزی‌های جنگلی، شهاب‌های آسمانی، منابع گیاهی و حیوانی، چشمه‌های آب گرم معدنی) و منابع مصنوعی (وسایل نقلیه موتوری، صنایع و نیروگاه‌ها، سیستم‌های گرم‌کننده منابع خانگی و تجاری، زباله‌سوزها و مواد رادیو اکتیو) (امیریگی و احمدی آسور، ۱۳۸۸: ۹). آلودگی هوا بیش از هر آلودگی دیگری (دو سوم موارد مرگ ناشی از انواع آلودگی) جان انسان‌ها را گرفته است. بیشتر آلودگی‌های

مصنوعی ناشی از فعالیت وسایل نقلیه و کارخانه‌ها هستند (دنورز<sup>۱</sup>، ۱۳۸۰: ۳۶).

به طور کلی، حضور هر ماده‌ای در محیط که به سبب ترکیبات شیمیایی یا مقدار آن، مانع از انجام فرآیندهای طبیعی شده و محیطی نامطلوب به وجود آورد و به سلامتی موجودات اثرات سوء گذارد (اکبری و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۳۸) و آن‌ها را به خطر اندازد، آلودگی نامیده می‌شود. قابل توجه این که، طبق این تعریف، آلودگی لزوماً شامل خسارت فیزیکی نمی‌باشد. ایجاد وقفه در فعالیت‌های انسان خود آلودگی است (میلر<sup>۲</sup>، ۱۳۸۶: ۱۱).

بسیاری بر این باورند که راه‌حل بحران‌های محیط‌زیستی را باید در تغییر رفتار و نگرش انسان و روش زندگی وی بر کره‌ی خاکی جست‌وجو کرد (حجازی، ۱۳۹۶: ۱۷).

رفتارهای زیست محیطی ضمن این که بر بیشتر مسائل و تهدیدات زیست محیطی تأثیر می‌گذارند، خود نیز از عواملی تأثیر می‌پذیرند استرن<sup>۳</sup> و همکاران (۱۹۹۳)، گرافتون<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۰۳) و صالحی (۲۰۰۸) در مطالعات خود نشان داده‌اند که آگاهی زیست محیطی و شناخت مسائل زیست محیطی متغیر مؤثری بر رفتارهای زیست محیطی است؛ محققان مذکور بر این باورند که افزایش آگاهی عمومی زیست محیطی می‌تواند مسائل و مشکلات زیست محیطی را کاهش دهد و منجر به رفتارهای مسئولانه در برابر محیط‌زیست شود (صالحی و امام‌قلی، ۱۳۹۱). عامل دیگر که بسیار مهم است و بر رفتارهای زیست محیطی افراد تأثیر می‌گذارد، سبک زندگی افراد است (گیدنز<sup>۵</sup>، ۱۳۸۸: ۱۲۱).

بر اساس گزارش سازمان‌های بین‌المللی، رتبه‌ی ایران در حوزه‌ی عملکرد محیط زیست در سال ۲۰۰۶، ۵۳ بوده است که این رتبه در سال ۲۰۰۸ به ۶۷ و در سال ۲۰۱۰ به ۷۸ سقوط کرده است. ضرر و زیان سالیانه ناشی از آلودگی هوا بالغ بر ۷ میلیارد دلار و ۱۶ میلیارد دلار تا سال ۲۰۱۶ (بنا به اعلام بانک جهانی) خواهد رسید. رتبه‌ی ۱۳ تولید گازهای گلخانه‌ای در بین کشورهای دنیا گزارش شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس

- 
1. Danvers
  2. Miller
  3. Sterne
  4. Grafton
  5. Giddens

شورای اسلامی، ۱۳۸۷). بنا بر گزارش سازمان جهانی بهداشت، در جهان سالیانه ۷ میلیون نفر در اثر آلودگی هوا جان خود را از دست می‌دهند (WHO، ۲۰۱۴).

آلودگی ناشی از صنایع، منبع اصلی آلودگی است که در اثر فعالیت‌های مصنوعی ایجاد می‌شود. واحدهای صنعتی و آلاینده‌ها مانند کوره‌های آجرپزی و کارخانجات کاشی را از جمله عوامل آلودگی هوای شهری یزد و سایر شهرهای این استان می‌توان محسوب کرد (کوچک زاده، وبسایت یزدرسا). صنایع آلاینده‌ی متعدد از جمله کارخانجات کاشی، گچ، فولاد، کوره‌های آجرپزی، شهرک‌های صنعتی و غیره در این استان وجود دارد که موجب آلودگی بیش از حد هوای استان یزد می‌شوند (سادات موسوی، وبسایت سازمان حفاظت محیط زیست). با توجه به این که در مبدأ صنعت غالب، کاشی و سرامیک است، از میان کل آلاینده‌ها بخش عمده آن به صنایع موجود کاشی در مبدأ باز می‌گردد. یکی از معضلات بسیار جدی صنایع که متأسفانه در حد شایسته دغدغه مردم و مسئولان نبوده است، موضوع تبعات خطرناک زیست محیطی ناشی از توسعه نامتوازن صنایع آلاینده است. با توجه به این که شهر مبدأ در یک اکوسیستم<sup>۱</sup> کویری قرار دارد، این اکوسیستم کویری، اکوسیستمی با ظرفیت بُرد زیست محیطی بسیار محدود، شکننده، حساس و آسیب‌پذیر نسبت به بارگذاری است. متأسفانه استقرار بیش از حد صنایع آلاینده صنعتی و کاشی در این منطقه از یک طرف و جانمایی اشتباه این صنایع از طرف دیگر دست به دست هم داده تا ما در این منطقه علاوه بر این که در بعضی از روزهای سال شاهد وارونگی جوی<sup>۲</sup> هستیم، در کنار آن ما شاهد بالاتر از حد رفتن آلاینده‌های خروجی از این صنایع در مقایسه با استانداردهای زیست محیطی هستیم. این روزها صحبت از معضلات متعدد ناشی از استقرار بیش از حد صنایع آلاینده در دشت یزد- اردکان، افکار عمومی مردم استان یزد و خصوصاً شهروندان میدی را تحت الشعاع خود قرار داده است (مقصودلو، ۱۳۹۳). هر چند در نگاه اول به نظر می‌رسد که آلودگی هوا ناشی از صنایع، ریشه در سیاست‌های مسئولین دارد و خارج از اختیارات

---

1. Ecosystem  
2. Inversion

شهروندان می‌باشد اما شهروندان با رفتارهای خود می‌توانند در کاهش آلودگی هوا مفید واقع گردند. پر واضح هست که عوامل اجتماعی عدیده‌ای در نگرش شهروندان نسبت به محیط زیست دخیل بوده و تلاش برای شناسایی و تبیین عوامل اجتماعی موثر در نگرش شهروندان نسبت به آلودگی هوا در شهر میبد مساله اصلی در این پژوهش هست. هو چند برخی از مردم به حمایت از محیط می‌پردازند، در حالی که به نظر می‌رسد دیگران حتی نمی‌خواهند کوچک‌ترین تغییری در سبک پاسخ‌دهی خود به مسائل محیطی ایجاد کنند. شهروندان وظیفه دارند دانش و آگاهی خود را نسبت به مسائل زیست محیطی شهر خود بالا برده و داشتن زمین و چگونه زیستن در آن را بیاموزند. لذا، هدف از این پژوهش بررسی نگرش شهروندان شهر میبد نسبت به آلودگی هوا و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن می‌باشد. و اینکه نگرش شهروندان شهر میبد نسبت به آلودگی هوا چگونه بوده و عوامل اجتماعی مؤثر در آن کدامند؟

### پیشینه‌ی پژوهش (پیشینه‌ی داخلی و خارجی)

اسدی و مهرابی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل زمینه‌ای و اجتماعی مؤثر بر رفتارهای زیست محیطی شهروندان بندرعباس» از طریق پیمایش نشان دادند که میان متغیرهای اجتماعی (دانش، نگرش و نیت عملی زیست محیطی) و زمینه‌ای با رفتارهای زیست محیطی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. این تحقیق که به شیوه کمی انجام شده بود از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای و به صورت تصادفی ۲۰۰ نفر از شهروندان ۱۶ تا ۶۹ سال ساکن شهر بندرعباس انتخاب شده و نتایج نشان داد که مسأله‌ی محیط زیست در بین بیشتر قشرهای جامعه‌ی بندرعباس، هنوز به عنوان دغدغه‌ی مهم اجتماعی وارد عرصه‌ی عمومی نشده و محدود به نخبگان جامعه است. فرهمند، شکوهی فر و سیارخلج در سال ۱۳۹۳ پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتارهای زیست محیطی (مورد مطالعه: شهروندان شهر یزد)» به انجام رساندند که با استفاده از نظریات فردگرایی و رضایت از زندگی، به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتارهای

زیست محیطی شهروندان شهر یزد پرداخته است. بر اساس یافته‌های این پژوهش بین متغیرهای سرمایه‌ی فرهنگی، سبک زندگی، آگاهی زیست محیطی، فردگرایی، رضایت از زندگی و رفتارهای زیست محیطی رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ همچنین بین زنان و مردان در رفتارهای زیست محیطی تفاوت معناداری وجود دارد. واقفی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تاثیر سرمایه فرهنگی (بعد نهادینه) بر رفتارهای اجتماعی زیست محیطی با رویکرد توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: شهر شیراز)» که با هدف سنجش رفتارهای اجتماعی زیست محیطی و شناخت تأثیر سرمایه‌ی فرهنگی و ابعاد آن بر رفتارهای اجتماعی زیست محیطی در توسعه‌ی پایدار شهری انجام داده‌اند، نتایج تحلیل نشان داد که بین جنس، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، وضعیت تأهل و رفتارهای اجتماعی زیست محیطی، ارتباط معناداری وجود دارد و رابطه بین سرمایه‌ی فرهنگی و رفتارهای اجتماعی زیست محیطی، تأیید شد. ابراهیمی زارع (۱۳۹۳) در پایان‌نامه‌ی خود با هدف «بررسی عوامل مؤثر بر رفتار شهروندان تهرانی در مقابله با آلودگی هوا» پیمایشی را به وسیله‌ی پرسشنامه بین ۳۵۰ نفر از شهروندان ساکن منطقه‌ی ۶ شهر تهران انجام داده است. نتایج این پژوهش پس از تحلیل نشان داد که بین سن، تعداد افراد خانواده، جنسیت، مخارج ماهانه‌ی شهروندان، هزینه، قیمت اتومبیل و رفتار شهروندی در مقابله با آلودگی هوا رابطه‌ی معنی داری وجود ندارد؛ هم چنین بین آگاهی و اطلاعات شهروندان از آلودگی هوا، نوع شغل، نوع سفر، امکانات منزل و نوع مسکن با متغیر وابسته‌ی مورد بحث ارتباط معناداری وجود دارد. جهانی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه‌ی خود به «بررسی تأثیر نگرش و پارادایم نوین زیست محیطی بر رفتارهای زیست محیطی (مطالعه‌ی موردی: شهرستان کرمانشاه)» پرداخته است. نتایج حاصله در این پژوهش نشان داد که متغیرهای نگرش زیست محیطی، پارادایم نوین زیست محیطی و ارتباط با طبیعت هر سه بعد آن که شامل چشم‌انداز ارتباط با طبیعت، خودارتباطی و تجربه ارتباط با طبیعت است بر رفتارهای زیست محیطی مؤثر است. از بین متغیرهای زمینه‌ای هم دو متغیر سن و تحصیلات رابطه‌ی معناداری با متغیر وابسته داشته‌اند اما متغیر وضعیت تأهل

و جنسیت رابطه‌ی معناداری با متغیر رفتارهای زیست‌محیطی نداشته‌اند. هم چنین نتایج حاکی از آن است که پارادایم نوین زیست‌محیطی نسبت به دیگر متغیرها پیش‌بینی‌کننده‌ی قوی‌تری برای متغیر رفتارهای زیست‌محیطی است.

براکهاوس<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان «پیش‌بینی رفتارهای حامی محیط‌زیست» متغیرهای مربوط به رفتارهای تفکیک زباله‌های پلاستیکی در بین جوانان در هلند را تحلیل کرده است. داده‌های این پژوهش از طریق پرسشنامه‌ی محقق ساخته از ۲۶۹ دانشجو گردآوری شده است. نتایج دراین تحقیق نشان می‌دهد که نگرش، هنجارهای ذهنی، کنترل رفتاری درک شده و هزینه‌ها پیش‌بینی‌کننده‌ی قابل توجهی از نیت افراد هستند؛ اما رابطه‌ی بین دانش و تعاملات با رفتار زیست‌محیطی معنادار نبود. همچنین نتایج حاکی از آن است که انجمن‌هایی که تنها با هدف افزایش دانش برگزار می‌شوند ممکن است مؤثر نباشند، در حالی که انجمن‌های ارتقاء آگاهی که بر جنبه‌هایی از پیش‌بینی رفتار تمرکز دارند ممکن است مؤثر باشند. کاهش هزینه‌های مورد نیاز برای انجام رفتار نیز به منظور برانگیختن رفتار حامی محیط‌زیست مؤثر است. کتس جرو<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۵)، پژوهشی را با عنوان «اقدامات نوع‌دوستانه‌ی زیست‌محیطی و رفتارهای زیست‌محیطی در پنج کشور جهان» در میان ۸۴۷۷ نفر از دانشجویان پنج کشور کانادا، آلمان، اسرائیل، کره‌ی جنوبی و ایالات متحده‌ی آمریکا انجام دادند که نتایج نشان داد، اگر چه این پنج کشور از برخی جهات (میزان جمعیت جوان، میزان تحصیل کرده‌ها و پیدایی هنجارهای جهانی) متفاوت هستند، اما جمعیت دانشجویان آنها از لحاظ رفتارهای نوع‌دوستانه‌ی زیست‌محیطی نسبتاً شبیه هم هستند. هم چنین تفاوت معناداری بین دانشجویان در رفتارهای نوع‌دوستانه‌ی زیست‌محیطی و نگرش‌های زیست‌محیطی آنها وجود دارد. گیفورد و نیلسون<sup>۳</sup> (۲۰۱۴) در پژوهشی تحت عنوان «عوامل شخصی و اجتماعی مؤثر بر نگرانی‌ها و رفتارهای حامی زیست‌محیطی» با تأکید بر تحقیقات اخیر

- 
1. Braakhuis
  2. Katz Gerro
  3. Gifford & Nilsson



نشان دادند که درک نگرانی و رفتارهای محیط‌زیستی بسیار پیچیده‌تر از گذشته است. تأثیرات به ۱۸ عامل شخصی و اجتماعی گروه‌بندی می‌شوند. عوامل فردی شامل تجربه‌ی دوران کودکی، دانش و آموزش، شخصیت و خودپنداره، حس کنترل، ارزش‌ها، دیدگاه‌های سیاسی و جهانی، اهداف، احساس مسئولیت، تعصبات شناختی، دلبستگی به مکان، سن، جنسیت و فعالیت‌های منتخب و عوامل اجتماعی عبارتند از دین، تفاوت‌های شهری و روستایی، هنجارها، طبقه‌ی اجتماعی، در مجاورت محیط زیست مسأله‌دار بودن و تغییرات فرهنگی و قومی می‌باشد. آنها نشان دادند که رفتارهای حامی زیست‌محیطی اغلب بر اساس هیچ یک از تأثیرات ذکر شده انجام نمی‌شود به این دلیل که افراد دارای اهداف غیر زیست‌محیطی مانند صرفه‌جویی در هزینه یا بهبود سلامت خود هستند. در نهایت، نتایج محیطی که ناشی از این تأثیرات است، بدون تردید توسط ترکیبی از ۱۸ دسته تعیین می‌شود.

زارع‌پور<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) در پژوهشی با هدف بررسی «نگرش‌ها و رفتارهای مصرفی حامی محیط‌زیست: کاربرد یک آزمون منتخب در هلند» به این موضوع که آیا افراد در رفتارهای مصرفی خود به مسائل زیست‌محیطی توجه می‌کنند، پرداخته و ویژگی‌هایی را که رفتارهای حامی محیط‌زیست در سه حوزه‌ی مصرف مواد غذایی، بازیافت و حمل و نقل را شکل می‌دهند، مشخص کرده است. او با توجه به نظریه‌های رفتار مصرف‌کننده در اقتصاد خرد و ویژگی‌ها و نگرش‌های ذکر شده در متون روانشناسی اجتماعی شامل ویژگی‌های کلی (مانند جنسیت، سن)، دانش / نگرش زیست‌محیطی، نگرش‌ها / هنجارهای اجتماعی، صفات شخصی، وابستگی‌های سیاسی و باورهای مذهبی، به منظور تشریح ترجیحات مصرف‌کنندگان، از روش آزمون منتخب برای مشاهده‌ی رفتار مصرف‌کنندگان استفاده کرده است. این آزمون‌ها از طریق یک نظرسنجی مبتنی بر وب از یک جامعه‌ی تحصیل‌کرده که احتمال بیشتری داشت که از تغییرات آب و هوایی مطلع باشند، صورت گرفته است. نتایج نشان داد که افراد هنگام انتخاب مواد غذایی ارگانیک و

غیرارگانیک، آلودگی ایجاد شده توسط مواد غذایی را در نظر نمی‌گیرند؛ اما در مورد بازیافت و حمل و نقل به تأثیرات محیطی توجه می‌کنند. علاوه بر این، عوامل تعیین‌کننده‌ی رفتار حامی محیط‌زیست نه تنها ویژگی‌های کلی، بلکه نگرش‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و سیاسی را نیز شامل می‌شود. پیترو و جل<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) نیز برای مطالعه‌ای با عنوان «اختلاف فرهنگی و ارزش‌های زیست‌محیطی و تأثیر آنها بر رفتار زیست‌محیطی فرزندان» ۱۸۸۳ نفر فرزند ده تا سیزده ساله از فلاندر<sup>۲</sup>، گواتمالا و ویتنام انتخاب کردند و رفتار آنها را مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌ها حاکی از آن بود که اثر ارزش‌های زیست‌محیطی در زمینه‌های فرهنگی مختلف بر رفتارهای زیست‌محیطی متفاوت است. به عبارتی دیگر اختلاف فرهنگی و ارزش‌های زیست‌محیطی تأثیر مستقیم و مثبتی بر رفتار دارند. بنابراین پیشنهادی مبتنی بر استفاده از یک رویکرد فرهنگی خاص، جهت طراحی زیست‌محیطی به مسئولان دادند.

همان‌طور که در بخش پیشینه‌ها مشهود است اکثر تحقیقات صورت گرفته به طور کلی به بررسی نگرش‌ها و رفتارهای زیست‌محیطی پرداخته‌اند و یا یکی یا دو که پژوهش در مورد آلودگی هوا بوده به جنبه‌های اجتماعی این مسئله توجهی نشده است و تنها دید منابع طبیعی و هزینه‌های زیست‌محیطی ناشی از آن بر شهروندان و یا از دید ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پرداخته شده است. از آنجا که مطالعات صورت گرفته‌ی داخلی و خارجی در رابطه با رفتارهای زیست‌محیطی کمتر به سنجش نگرش شهروندان پرداخته شده؛ در این پژوهش مجموعه متغیرهای اجتماعی در زمینه‌ی آلودگی هوا و نگرش شهروندان بر اساس سه بعد (رفتاری، شناختی و احساسی) با توجه به ویژگی‌های جامعه‌ی مورد نظر، شهر مپید که افزایش روزافزون صنایع در آن نگران‌کننده می‌باشد، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

## مبانی نظری پژوهش

1. Peter & Jelle
2. Flandre

در چارچوب نظری ترکیب بهینه نظریات مختلف در جهت تبیین عوامل موثر بر آلودگی هوا در نظر گرفته شده است.

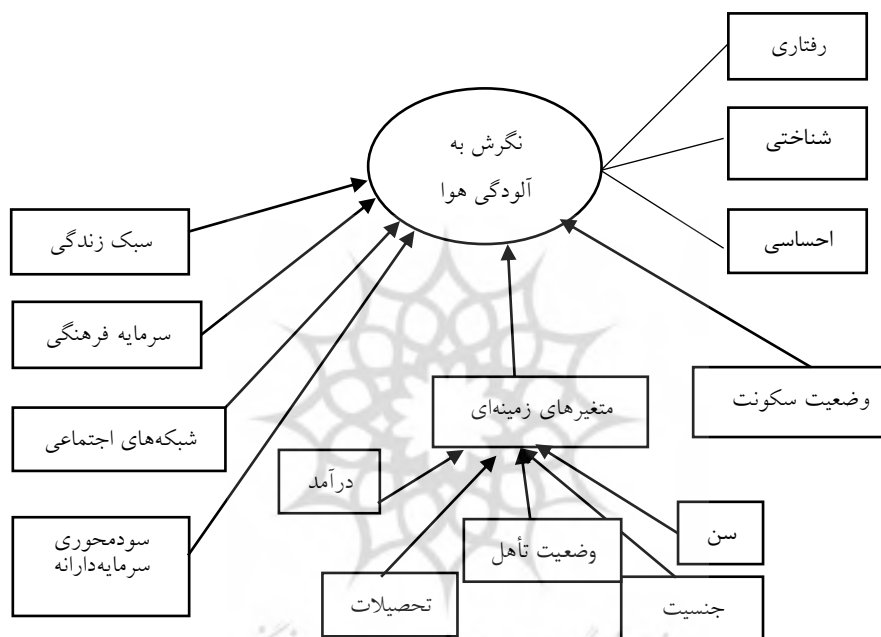
از تئوریهای مرتبط با نگرش می توان به تئوری آیزن و فیش باین اشاره کرد که برای سنجش متغیر نگرش استفاده شده است؛ در این تئوری رفتار به صورت زنجیره ای از عوامل مورد توجه قرار گرفته که با توجه به این نظریه می توان چنین نتیجه گرفت که رفتار هدف مدار در پی پدیداری نیت و گرایش به عمل به وجود می آید که این خود نیز تابع هنجارهای ذهنی است. در مورد متغیر سبک زندگی نظریات کاستلز و بوردیو را به کار برده ام که هر دو معتقدند که سبک زندگی رابطه ی مستقیمی با هویت افراد دارد و معمولاً با طبقه ی اقتصادی - اجتماعی پیوند دارد و در تصویری که از فرد ساخته می شود، بازتاب می یابد. بر این اساس سبک زندگی دربرگیرنده ی فعالیت های فراغت، مصرف فرهنگی، و الگوی روابط اجتماعی است و نگرش، ارزش ها، و جهان نگر ی افراد را منعکس می کند. به بیان دیگر، سبک های زندگی کردارهایی است که به جریان عادی زندگی روزمره تبدیل شده است، کردارهایی که نمایان گر هویت های فردی، گروهی، و اجتماعی است.

سرمایه ی فرهنگی یکی از متغیرهای اجتماعی موثر در نگرش شهروندان است که برای تبیین آن از نظریه ی (بوردیو) استفاده کرده ام؛ از دیدگاه بوردیو جایگاه فرد در ساختار اجتماعی که مشخص کننده ی میزان بهره مندی وی از انواع سرمایه است، منش وی را شکل می دهد؛ که بر اساس این نظریه می توان چنین نتیجه گرفت با تغییر فرهنگ که در تعامل با جامعه است و هدایت کننده ی کنش افراد می باشد، می توان رفتار مردم را تغییر داد. سرمایه ی فرهنگی در ارتباط با زیست محیط به تضمین بقای آن کمک می کند. از نظریه ی (کاستلز) نیز برای متغیر میزان استفاده از شبکه های اجتماعی استفاده کرده ام؛ او معتقد است که شبکه های اجتماعی می توانند با به اشتراک گذاشتن افکار و تأثیر بر نفوذ در ذهن، بر جنبه های مختلفی از زندگی افراد تأثیر بگذارند که این سبب فیزیکی - مجازی شدن فرهنگ می شود و دو فضایی بودن را در تمام شئون زندگی انسانی مسلط ساخته و افراد را با حضور در فضای دوجوانی شده در معرض تغییر نمادهای فرهنگی

مرتبط با سبک زندگی قرار می‌دهد. بنابراین، نظام ارتباطی و رسانه‌ها در صورت آموخته شدن می‌توانند اطلاعات افراد را در مورد مسائل زیست‌محیطی از جمله نگرش به آلودگی هوا افزایش دهند که این، رفتارهای شایسته‌تری نسبت به محیط زیست را در پی دارد. و اما برای تبیین رویکردهای جنسیتی نظریات (اکوفمینیسم) و سودمحوری کارخانجات که با تکیه‌گاه سرمایه‌داری، نگاه ابزاری به محیط زیست دارد نظریه‌های (هابرماس، گیدنز و بک) را به کار بسته‌ام. در رویکرد اکوفمینیسم مسائل زیست‌محیطی جنسیتی هستند بدین جهت که زنان بیشتر از مردان از آسیب و تخریب محیط زیست از جمله آلودگی هوا صدمه می‌بینند. آلودگی هوا اثرات سوئی بر افراد به ویژه زنان دارد که می‌توان به افزایش میزان سرطان‌های خاص زنان اشاره کرد. زنان از آن جهت که همچون طبیعت تحت سلطه‌ی نظام پدرسالاری مورد استثمار قرار گرفته‌اند، پیوندهای مهمی با محیط زیست داشته و بیشتر از مردان دغدغه‌ی مسائل زیست‌محیطی از جمله آلودگی هوا را دارند. کاستلز نیز معتقد است که در جامعه‌ی شبکه‌ای هویت شخصی به امر گشوده‌تر تبدیل می‌شود که روی ساخت‌یابی هویت‌های مذکر و مؤنث تأثیر می‌گذارد. هم‌چنین زنان نسبت به مردان به دلیل جامعه‌ی جنسیت‌زده از آزادی‌های بیان و فعالیت‌های اجتماعی محروم‌تر هستند بنابراین، در جامعه‌ی اطلاعاتی آن‌ها به راحتی می‌توانند به افزایش دانش و آگاهی و ابراز اندیشه و نگرش خود در زمینه‌های مختلف از جمله مسئله‌ی آلودگی هوا و عوامل مؤثر بر آن بپردازند. به نظر گیدنز و هابرماس، پیوند سرمایه‌داری و صنعت‌گرایی دلیل اصلی تباهی محیط زیست است. صنایع بدون توجه به تخریب محیط زیست از جمله آلودگی هوا، تنها در پی منافع تولیدی و حسابگرانه‌ی خود هستند که این لازمه‌ی بقای نظام سرمایه‌داری است. اما شهروندان می‌توانند با استفاده از کنش ارتباطی در زیست‌جهان در پی توافق و همکاری به فهم مشترک و کنش‌های تفاهمی دست یابند درحالی که در کنش استراتژیک صرفاً به دنبال اهداف خود هستند و از نظر آن‌ها آلودگی هوا در قبال کسب ثروت حتی به بهای تخریب محیط زیست و صدمه به سلامت و حقوق دیگران از اهمیت چندانی برخوردار نیست. در نهایت این که،

مدرنیزاسیون تأملی بک، بر این باور است که مدرنیته و جامعه‌ی مدرن قادر است مسایل زیست‌محیطی و دیگر مسایل خود را حل کند. او معتقد است که هر چند در جامعه‌ی ریسکی شاهد سرمایه‌ای کردن طبیعت هستیم اما امیدی به انسانی کردن طبیعت وجود دارد که در گرو رفتار مسئولانه‌ی کنشگران جامعه می‌باشد

### مدل نظری



### فرضیات پژوهش

- ۱- بین نگرش زنان و مردان شهر میبید نسبت به آلودگی هوا تفاوت وجود دارد.
- ۲- بین نگرش شهروندان به آلودگی هوای شهر میبید و سن رابطه وجود دارد.
- ۳- بین نگرش شهروندان مجرد و متأهل شهر میبید نسبت به آلودگی هوا تفاوت وجود دارد.
- ۴- بین نگرش شهروندان به آلودگی هوای شهر میبید در سطوح مختلف تحصیلی تفاوت وجود دارد.
- ۵- بین نگرش افراد بومی و غیر بومی شهر میبید نسبت به آلودگی هوا تفاوت وجود دارد.

دارد.

۶- بین نگرش شهروندان به آلودگی هوای شهر میباید در سطوح مختلف درآمدی تفاوت وجود دارد.

۷- بین سبک زندگی و نگرش شهروندان به آلودگی هوای شهر میباید رابطه وجود دارد.

۸- بین سرمایه‌ی فرهنگی و نگرش شهروندان به آلودگی هوای شهر میباید رابطه وجود دارد.

۹- بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و نگرش شهروندان به آلودگی هوای شهر میباید رابطه وجود دارد.

۱۰- بین سودمحوری سرمایه‌دارانه و نگرش شهروندان به آلودگی هوای شهر میباید رابطه وجود دارد.

### روش تحقیق:

روش این پژوهش کمی و پیمایشی بوده و به لحاظ زمانی مقطعی، به لحاظ ماهیت کاربردی و به لحاظ وسعت پهنانگر می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل جمعیت ۱۶ سال به بالا شهر میباید می‌باشند، که براساس آمارگیری سال ۱۳۹۸ مساوی با ۹۷۰۰۰ نفر تقریبی بوده است<sup>۱</sup>. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای استفاده شده است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده، که برابر با ۳۸۳ نفر برآورد شده است ولی برای افزایش دقت تعداد نمونه به ۴۲۰ نفر افزایش یافت

حجم نمونه 
$$n = \frac{Nz^2pq}{Nd^2 + z^2pq}$$
 تحقیق با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۳ نفر که در این فرمول، n حجم نمونه، N معادل حجم جامعه آماری، D دقت احتمالی مطلوب، T سطح اطمینان قابل قبول، Pq نشان‌دهنده پراکندگی صفات مورد مطالعه است. روش

۱. آمار جمعیت در سال ۹۸ از مرکز بهداشت و سلامت شهرستان میباید گرفته شد و دقیق هست.

نمونه گیری در این تحقیق از نوع تصادفی چند مرحله ای می باشد. میبید به ۱۶ محله تقسیم بندی شد که حجم جمعیت تقریبی و حجم نمونه تقریبی و حجم نمونه جمع آوری شده در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول شماره ۱: فراوانی محلات، حجم جمعیت، حجم نمونه براساس فرمول کوکران و

حجم نمونه جمع آوری شده

محلات	حجم جمعیت (تقریبی)	حجم نمونه به تناسب حجم جمعیت هر محله	حجم نمونه جمع آوری شده
۱- بفروئیه و حسن آباد	۹۸۰۰	۳۸	۴۲
۲- ده آباد	۵۰۰۰	۲۰	۲۸
۳- مهرجرد	۶۵۰۰	۲۶	۲۸
۴- بیده و خانقاه	۸۲۰۰	۳۳	۳۵
۵- میبید بالا و کوچک	۶۵۰۰	۲۵	۲۸
۶- بشنیغان	۴۴۰۰	۱۷	۱۹
۷- فیروزآباد	۹۱۰۰	۳۶	۳۹
۸- شهیدیه و بارجین	۱۰۰۰۰	۳۹	۳۹
۹- محمود آباد و شاه جهان آباد	۵۲۰۰	۲۱	۲۲
۱۰- یخدان	۵۴۰۰	۲۲	۲۳
۱۲- امیرآباد، عشرت آباد و بهمن آباد	۶۰۰۰	۲۳	۲۵
۱۳- علی آباد	۸۰۰۰	۳۰	۳۶
۱۴- شهرک شهداء	۲۹۰۰	۲۰	۲۱
۱۵- رکن آباد، مهرآباد، جهان آباد و محمد آباد	۳۹۰۰	۱۶	۱۷
۱۶- شهرک امام جعفرصادق (ع)	۴۱۰۰	۱۷	۱۸
مجموع	۹۷۰۰۰	۳۸۳	۴۲۰

برای تعیین اعتبار و روایی پرسشنامه از ابزارهای ذیل استفاده شد. روایی پرسشنامه از نوع محتوایی است یعنی نظر متخصصان و (اساتید دانشکده علوم اجتماعی) اعمال گردیده است. مطالعه پرسشنامه‌های مشابه، به ویژه آنهایی که در ایران اعتباریابی شده‌اند استفاده گردیده است. برای پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده

است که میزان آن برای متغیرهای پژوهش در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۲: تعداد و میزان آلفای کروناخ متغیرها و ابعاد آن

متغیر	ابعاد	تعداد گویه	آلفای کروناخ	آلفای کروناخ کل
نگرش به آلودگی هوا	شناختی	۶	۰/۶۷	۰/۸۴
	رفتاری	۱۲	۰/۷۵	
	احساسی	۷	۰/۸۸	
سبک زندگی	سلامت جسمانی	۴	۰/۵۰	۰/۸۷
	سلامت روانشناسی	۷	۰/۸۲	
	سلامت معنوی	۳	۰/۷۲	
	سلامت اجتماعی	۴	۰/۶۷	
	سلامت محیطی	۶	۰/۵۶	
سرمایه فرهنگی	تجسم یافته	۶	۰/۷۹	۰/۸۵
	عینیت یافته	۶	۰/۶۹	
	نهادینه شده	۶	۰/۵۲	
شبکه‌های اجتماعی		۱۰	۰/۹۲	---
	سودمحوری	۷	۰/۶۷	

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

#### یافته‌های توصیفی

نگرش به آلودگی هوا (بعد شناختی، احساسی، رفتاری)

براساس نتایج حاصله از داده‌های کمی نگرش به آلودگی هوا در بعد شناختی، در بعد احساسی و در بعد رفتاری نشان می‌دهد نگرش به آلودگی هوا بیش از حد متوسط که مقدار آن ۳ است، می‌باشد.

مهمترین عوامل آلودگی هوای شهر میبد از نظر پاسخگویان به ترتیب شامل صنایع کاشی و سرامیک ۷۱/۲، کارخانه فولاد و پتروشیمی ۲۱/۹، حمل و نقل شهری ۳/۳، کوره های آجرپزی ۲/۹، حمل و نقل بین‌المللی (کمربندی) ۰/۷ بوده است. در واقع بیشتر



درصد دلایل آلودگی هوای شهر میبید مربوط به عامل صنایع کاشی و سرامیک می باشد که ۷۱/۲ درصد می باشد. نتیجه: صنایع کاشی و سرامیک از نظر پاسخگویان بیشترین تأثیر را در آلودگی هوا دارند.

یافته‌های استنباطی: آزمون فرضیات

روش‌های به کار گرفته شده در اینجا، آزمون  $t$  دو نمونه مستقل، ضریب همبستگی پیرسون ( $r$ ) و تحلیل واریانس یک راهه ( $F$ ) و روش تحلیل رگرسیونی می باشد که از هر کدام متناسب با نوع فرضیات و ویژگی‌های متغیرها استفاده شده است. در ادامه به بررسی روابط بین متغیرهای تحقیق می پردازیم

**فرضیه اول:** بین نگرش زنان و مردان شهر میبید نسبت به آلودگی هوا تفاوت وجود دارد.

با توجه به اینکه متغیر جنسیت از نوع اسمی دوحالته و متغیر نگرش به آلودگی هوا از نوع فاصله ای می باشد، از آزمون  $t$  دو نمونه مستقل برای آزمون این فرضیه استفاده می گردد.

مقدار معناداری آزمون  $F$  به منظور بررسی همگنی واریانسها نشان می دهد بین واریانس نمرات دو گروه مرد و زن تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۵ وجود ندارد (۰/۴۱۶ > ۰/۰۵). بنابراین آزمون  $t$  را با فرض همگن بودن واریانس ها (ردیف اول) ادامه می دهیم. نتایج اجرای آزمون  $t$  نشان می دهد بین جنسیت و نگرش به آلودگی هوا رابطه معناداری در سطح خطای ۰/۰۵ وجود ندارد (۰/۳۹۰ < ۰/۰۵). همچنین ستون آخر جدول (۴-۱۷) نشان می دهد بین میانگین نگرش زنان به آلودگی هوا (۳/۶۵) و میانگین نگرش مردان به آلودگی هوا (۳/۶۹) تفاوت چندانی وجود ندارد. بنابراین این فرضیه در سطح خطای ۰/۰۵ تأیید نمی گردد.

**فرضیه دوم:** بین سن و نگرش شهروندان به آلودگی هوای شهر میبید رابطه وجود دارد.

به منظور بررسی این فرضیه از روش همبستگی پیرسون استفاده شده است. این

روش برای بررسی رابطه بین دو متغیر که هر دو در سطح سنجش فاصله‌ای سنجیده شده‌اند مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهند که بین متغیر سن از یک طرف و بعد شناختی نگرش به آلودگی هوا همبستگی مثبت و معنادار و بین متغیر سن و ابعاد احساسی و رفتاری نگرش به آلودگی هوا همبستگی معنادار وجود ندارد. به عبارت دیگر هر چه سن افزایش یابد، سطح آگاهی‌ها و شناخت شهروندان نسبت به وضعیت آلودگی هوا نیز افزایش می‌یابد. بر اساس نتایج جدول فوق، مقدار ضریب همبستگی پیرسون بین سن و متغیر نگرش به آلودگی هوا برابر  $0/139$  و سطح معناداری آن  $0/004$  می‌باشد که از سطح خطای مفروض  $0/05$  کوچکتر می‌باشد. لذا این فرضیه در سطح خطای  $0/05$  تأیید می‌گردد.

**فرضیه سوم:** بین نگرش افراد مجرد و متأهل شهر میبد نسبت به آلودگی هوا تفاوت وجود دارد.

مقادیر معناداری آزمون F به منظور بررسی همگنی واریانس‌ها نشان می‌دهند که بین واریانس نمرات دو گروه مجرد و متأهل در هر سه بعد متغیر وابسته (نگرش به آلودگی هوا) تفاوت معناداری در سطح خطای  $0/05$  وجود ندارد. لذا نتایج را بر اساس ردیف اول هر کدام از ابعاد، پیگیری می‌کنیم. نتایج اجرای آزمون t نشان می‌دهد که در سطح خطای  $0/05$  و در بعد شناختی بین وضعیت تأهل افراد و نگرش به آلودگی هوا رابطه معنادار وجود دارد ( $0/000 > 0/05$ ). به عبارت دیگر، بر اساس مقادیر میانگین بدست آمده (دو ستون آخر)، افراد متأهل نسبت به افراد مجرد دارای شناخت و آگاهی‌های بیشتری در خصوص آلودگی هوا می‌باشند. اما این رابطه در خصوص ابعاد احساسی و رفتاری معنادار نمی‌باشد. همچنین بر اساس نتیجه حاصل شده، بین وضعیت تأهل و نگرش به آلودگی هوا بطور کلی رابطه معنادار در سطح خطای  $0/05$  وجود دارد و لذا این فرضیه در سطح خطای  $0/05$  تأیید می‌گردد.

**فرضیه چهارم:** بین نگرش شهروندان به آلودگی هوای شهر میبد در سطوح مختلف تحصیلی تفاوت وجود دارد.

مقادیر جدول فوق به اندازه کافی گویا است. بر اساس نتایج آزمون تحلیل واریانس یک

طرفه، بطور کلی میانگین نمرات نگرش شهروندان به آلودگی هوا، در سطوح مختلف تحصیلات تفاوت معنادار در سطح خطای ۰/۰۵ وجود دارد و لذا این فرضیه تأیید می‌گردد. بیشترین میانگین، مربوط به افراد با سطح تحصیلات کاردانی و کارشناسی و پس از آن، کارشناسی ارشد و دکتری می‌باشد. لازم به ذکر است که در بعد شناختی متغیر نگرش به آلودگی هوا، بین سطوح مختلف تحصیلات، تفاوت معناداری وجود ندارد.

**فرضیه پنجم:** بین نگرش افراد بومی و غیر بومی شهر میبیدی نسبت به آلودگی هوا تفاوت وجود دارد.

بر اساس نتایج بدست آمده از آزمون F به منظور بررسی همگنی واریانس‌ها بین واریانس نمرات دو گروه بومی و مهاجر در هر سه بعد متغیر وابسته (نگرش به آلودگی هوا) تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۵ وجود ندارد. لذا ادامه بررسی‌ها را بر اساس ردیف اول هر کدام از ابعاد، پیگیری می‌کنیم. نتایج اجرای آزمون t نشان می‌دهد که در سطح خطای ۰/۰۵ و در ابعاد شناختی و احساسی بین وضعیت مهاجرت افراد و نگرش به آلودگی هوا رابطه معنادار وجود دارد. اما این رابطه در بعد رفتاری وجود ندارد. همچنین بر اساس نتیجه حاصل شده، بین وضعیت مهاجرت و نگرش به آلودگی هوا بطور کلی رابطه معنادار در سطح خطای ۰/۰۵ وجود دارد و لذا این فرضیه در سطح خطای ۰/۰۵ تأیید می‌گردد. لازم به ذکر است چنانچه سطح خطا را ۰/۰۱ در نظر بگیریم، این فرضیه تأیید نمی‌گردد. چرا که مقدار معنادار بدست آمده (۰/۰۱۲) از ۰/۰۱ بزرگتر است. بطور کلی می‌توان گفت شهروندان بومی نسبت به شهروندان غیر بومی اندکی از سطح شناخت و دغدغه بالاتری نسبت به آلودگی هوای شهر میبیدی برخوردارند.

**فرضیه ششم:** بین نگرش شهروندان به آلودگی هوای شهر میبیدی در سطوح مختلف درآمدی تفاوت وجود دارد.

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود بین دو متغیر میزان درآمد و نگرش به آلودگی هوا تفاوت معنادار در سطح ۰/۰۱ وجود دارد، لذا این فرضیه در سطح خطای ۰/۰۱ تأیید می‌گردد. نتایج اجرای آزمون تحلیل واریانس نشان می‌دهد که در ابعاد احساسی و رفتاری بین میزان درآمد و نگرش به آلودگی هوا رابطه معنادار وجود دارد. اما این رابطه در بعد

شناختی وجود ندارد. با توجه به نتایج، افرادی که میزان درآمد آنها بین سه تا چهار میلیون است نمره‌ی بیشتری نسبت به گروه‌های درآمدی دیگر در نگرش به آلودگی هوا داشته‌اند. کمترین میانگین نیز برای گروه درآمدی زیر یک میلیون بوده است.

بر اساس نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه، بطور کلی میانگین نمرات نگرش شهروندان به آلودگی هوا، در سطوح مختلف میزان درآمد تفاوت معنادار وجود دارد و لذا این فرضیه موافق تأیید می‌گردد. بیشترین میانگین، مربوط به افراد با سطح میزان درآمد از سه میلیون تا چهار میلیون (۴/۲۰) می‌باشد.

**فرضیه هفتم:** بین سبک زندگی و نگرش شهروندان به آلودگی هوای شهر میباید رابطه وجود دارد.

نتایج جدول فوق نشان می‌دهند که ضرایب همبستگی بین سبک زندگی و نگرش به آلودگی هوا در سطح خطای ۰/۰۱ مثبت و معنادار است. این رابطه معنادار بین سبک زندگی و هر سه بعد نگرش به آلودگی هوا نیز وجود دارد. لذا این فرضیه نیز در سطح خطای ۰/۰۱ تأیید می‌گردد و با اطمینان بالا می‌توان گفت بین سبک زندگی و نگرش به آلودگی هوا رابطه وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه افراد سبک زندگی سالم‌تری داشته باشند نگرش آنها به وضعیت آلودگی هوا دغدغه‌مندتر و همراه با شناخت و مشارکت عملی بیشتر در این زمینه همراه است.

**فرضیه هشتم:** بین نگرش شهروندان به آلودگی هوای شهر میباید و سرمایه‌ی فرهنگی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۳: نتایج آزمون ضریب همبستگی بین سرمایه فرهنگی و نگرش به آلودگی هوا

متغیر مستقل: سرمایه فرهنگی	بعد شناختی	بعد احساسی	بعد رفتاری	نگرش به آلودگی هوا
ضریب همبستگی	۰/۰۷۴	۰/۱۷۴	۰/۱۹۱	۰/۱۸۳
معناداری sig	۰/۱۳۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
نتیجه	غیر معنادار در سطح ۰/۰۵	معنادار در سطح ۰/۰۵	معنادار در سطح ۰/۰۵	معنادار در سطح ۰/۰۵

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که بین متغیر سرمایه فرهنگی از یک طرف و دو بعد

احساسی و رفتاری نگرش به آلودگی هوا، همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد و بین متغیر سرمایه فرهنگی و بعد شناختی نگرش به آلودگی هوا رابطه معناداری وجود ندارد. ضریب همبستگی پیرسون بین سرمایه فرهنگی و نگرش به آلودگی هوا، بطور کلی مثبت و معنادار است و این فرضیه تحقیق نیز در سطح خطای ۰/۰۵ تأیید می‌گردد. به عبارت دیگر هر چه میزان سرمایه فرهنگی در بین افراد بیشتر باشد، نگرش به آلودگی هوا نیز از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار است.

**فرضیه نهم:** بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و نگرش شهروندان به آلودگی هوای شهر میبید رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۴: نتایج آزمون ضریب همبستگی بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی

و نگرش به آلودگی هوا

متغیر مستقل: میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی	بعد شناختی	بعد احساسی	بعد رفتاری	نگرش به آلودگی هوا
ضریب همبستگی	۰/۰۳۷	۰/۱۴۷	۰/۱۸۰	۰/۱۴۸
معناداری sig	۰/۴۴۸	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲
نتیجه	غیر معنادار در سطح ۰/۰۵	معنادار در سطح ۰/۰۵	معنادار در سطح ۰/۰۵	معنادار در سطح ۰/۰۵

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد بین دو متغیر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و نگرش به آلودگی هوا رابطه مثبت و معنادار در سطح خطای ۰/۰۵ وجود دارد. این رابطه به جز با بعد شناختی، با ابعاد دیگر نیز وجود دارد. لذا این فرضیه در سطح خطای ۰/۰۵ تأیید می‌گردد. بر این اساس می‌توان اظهار کرد هر چه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی در میان افراد بیشتر باشد، نمرات نگرش آنها به وضعیت آلودگی هوا نیز بالاتر است و بالعکس هر چه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی کمتر باشد، نمرات افراد در متغیر نگرش به وضعیت آلودگی هوا کمتر می‌شود.

**فرضیه دهم:** بین گرایش شهروندان به سودمحوری سرمایه‌دارانه و نگرش آنها به

آلودگی هوای شهر میبد رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۵: نتایج آزمون ضریب همبستگی بین گرایش به سودمحوری کارخانجات

و نگرش به آلودگی هوا

متغیر مستقل: گرایش به سودمحوری کارخانجات	بعد شناختی	بعد احساسی	بعد رفتاری	نگرش به آلودگی هوا
ضریب همبستگی	-۰/۲۳۹	-۰/۱۷۵	-۰/۱۵۰	-۰/۲۵۷
معناداری sig	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
نتیجه	معنادار در سطح ۰/۰۵	معنادار در سطح ۰/۰۵	معنادار در سطح ۰/۰۵	معنادار در سطح ۰/۰۵

بر اساس نتایج بدست آمده، بین دو متغیر گرایش به سودمحوری کارخانجات و نگرش به آلودگی هوا رابطه منفی و معنادار در سطح خطای ۰/۰۵ وجود دارد. این نوع رابطه منفی معنادار با ابعاد متغیر وابسته نیز برقرار است لذا این فرضیه نیز در سطح خطای ۰/۰۵ تأیید می‌گردد. به بیان دیگر، هر چه تصور افراد بیشتر بر این اساس باشد که کارخانجات باید به سودآوری و درآمدزایی بیش از حفظ محیط زیست توجه کنند، نگرش آنها به وضعیت آلودگی هوا ضعیف‌تر شده و سطح ناآگاهی، بی‌تفاوتی و مشارکت‌گریزی آنها در این زمینه افزایش می‌یابد و برعکس، هر چه گرایش افراد به جای سودآوری کارخانجات، حفظ محیط زیست باشد، نگرش آنها به آلودگی هوا از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار است.

در ادامه با روش تحلیل رگرسیون به محاسبه و تفسیر ضرایب و شاخص‌های مربوط

می‌پردازیم.

جدول شماره ۶: نتایج تحلیل رگرسیون نگرش به آلودگی هوا بر متغیرهای مستقل تحقیق

Sig.	T	ضرایب استاندارد رگرسیون (beta)	ضرایب رگرسیونی (B)	متغیر مستقل
۰/۰۰۰	۱۴/۰۹	۰	۲/۶۱	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۷/۹۰	۰/۳۵۵	۰/۳۱۱	سبک زندگی
۰/۰۰۰	-۴/۰۴	-۰/۱۸۲	-۰/۰۹۷	سودمحوری سرمایه‌دارانه
۰/۰۰۱	۳/۴۸	۰/۱۵۶	۰/۰۰۵	سن (متغیر زمینه‌ای)
۲۲/۵۹	F		نتایج تحلیل واریانس (ANOVA) رگرسیون	
۰/۰۰۰	Sig.			
۰/۲۰			ضریب تعیین (R <sup>2</sup> )	
۰/۱۹			ضریب تعیین تعدیل شده (Adjusted R <sup>2</sup> )	

تفسیر نتایج رگرسیون در ابتدا از نتایج تحلیل واریانس رگرسیونی آغاز می‌شود. نتایج این بخش از تحلیل نشان می‌دهد که آیا مدل رگرسیون خطی مفروض، معتبر می‌باشد یا خیر. بر اساس نتایج این تحقیق و با تفسیر مقادیر F فیشر و sig معناداری که از سطح مفروض ۰/۰۵ بسیار کوچکتر می‌باشد. می‌توان اظهار کرد مدل رگرسیون خطی در نظر گرفته شده معتبر می‌باشد.

بخش بعدی تحلیل به مقادیر ضریب تعیین تعدیل شده اشاره دارد که این مقدار نشان می‌دهد چه مقدار یا چند درصد از تغییرات متغیر وابسته به متغیر مستقل برمی‌گردد. در تحقیق حاضر این مقدار برابر ۰/۱۹ بدست آمده است که این نشان می‌دهد ۱۹ درصد تغییرات متغیر نگرش به آلودگی هوا را می‌توان به متغیرهای مستقل مذکور ارجاع داد. بخش دیگر که شامل ضرایب رگرسیونی و معناداری آن‌ها می‌باشد، جهت تدوین معادله خط رگرسیون و پیش بینی مورد استفاده قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه مقدار ثابت و ضرایب رگرسیونی متغیرهای سبک زندگی و سودمحوری سرمایه‌دارانه، سن در سطح ۰/۰۵ معنادار شده اند می‌باشند، می‌توان معادله خط رگرسیون را به صورت زیر ارائه کرد:

$$Y = B_0 + B_1X_1 + B_2X_2 + B_3X_3$$

نگرش به آلودگی هوا =  $۲/۶۱ + ۰/۳۱۱ * سبک زندگی + ۰/۰۹۸ * سود محوری$   
 سرمایه‌دارانه +  $۰/۰۰۵ * سن$

در جمع‌بندی نهایی می‌توان به ارتباط مثبت و معنادار متغیرهای مستقل سبک زندگی، سرمایه‌ی فرهنگی، شبکه‌های اجتماعی با نگرش به آلودگی هوای شهر اشاره کرد و این که متغیر گرایش به سودمحوری کارخانجات، تنها متغیری است که با متغیر وابسته ارتباط معنادار و منفی دارد. از متغیرهای زمینه‌ای از جمله سن، تحصیلات، وضعیت سکونت، وضعیت تأهل و میزان درآمد در نگرش به آلودگی هوا مؤثر بوده‌اند اما متغیر جنسیت بر متغیر وابسته بی‌تأثیر بوده است. متغیر سبک زندگی نیز در این پژوهش از اهمیت وافرایی در تأثیر بر نگرش به آلودگی هوا در هر سه بعد آن داشته است، از آن رو که با توجه به معادله‌ی رگرسیون چند متغیره، از سهم بیشتری در تبیین متغیر وابسته داشته است.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول نشان داد که بین متغیر جنسیت و نگرش شهروندان به آلودگی هوا رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. بدین معنی که بین میانگین نگرش زنان به آلودگی هوا و میانگین نگرش مردان به آلودگی هوا تفاوت چندانی وجود ندارد. این یافته با یافته‌های ابراهیمی‌زارع (۱۳۹۳)، جهانی (۱۳۹۲) همسو بوده است. داوری نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم نشان می‌دهد که بین متغیر سن و نگرش شهروندان به آلودگی هوا رابطه معناداری وجود دارد. این یافته با یافته‌های اسلای و مهربانی (۱۳۹۷)، جهانی (۱۳۹۲)، کتس‌جرو و همکاران (۲۰۱۵)، گیفورد و نیلسون (۲۰۱۴) و زارع‌پور (۲۰۱۲) همسو بوده است. یکی دیگر از فرضیات تحقیق «رابطه بین متغیر وضعیت تأهل و نگرش شهروندان به آلودگی هوا» است. رابطه‌ی معنادار بین این دو متغیر بدین صورت بود که وضعیت تأهل در بعد شناختی نگرش به آلودگی هوای شهر نسبت به ابعاد دیگر نگرش تأثیرگذاری بیشتری داشت. نتایج این فرضیه با یافته‌های پژوهش واقفی و همکاران



(۱۳۹۳) همسو اما در تضاد با یافته‌های پژوهش جهانی (۱۳۹۲) بود. در داوری تجربی فرضیه چهارم، مشخص شد که بین میانگین نمرات نگرش شهروندان به آلودگی هوا در سطوح مختلف تحصیلات در سطح خطای ۰/۰۵ تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر افزایش تحصیلات پاسخگویان بر رفتارهای زیست محیطی شهروندان تأثیرگذار می‌باشد و با نتایج به‌دست آمده با پژوهش‌های جهانی (۱۳۹۲)، مصداقی‌نیا و همکاران (۱۳۸۶) و کتس جرو و همکاران (۲۰۱۵) همسویی داشته است. هم‌چنین براکهاوس (۲۰۱۶) در پژوهش خود نشان می‌دهد که آموزش‌های مبتنی بر آگاهی از تأثیربخشی بیشتری نسبت به آموزش‌های دانش‌محور دارد. داوری تجربی فرضیه ششم، رابطه‌ی معنادار بین متغیر میزان درآمد و نگرش شهروندان به آلودگی هوا را نشان می‌دهد که با نتایج پژوهش‌های واقفی و همکاران (۱۳۹۳)، ابراهیمی‌زارع (۱۳۹۳)، براکهاوس (۲۰۱۶)، گیفورد و نیلسون (۲۰۱۴) همسو بود. در تبیین نتیجه‌ی آزمون این فرضیه نیز می‌توان با استفاده از نظریه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی بوردیو، عنوان نمود که درآمد شهروندان نشان از جایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان دارد که مشخص‌کننده‌ی میزان بهره‌مندی آنان از سرمایه‌ی فرهنگی است. هرچه میزان درآمد از حدی بالاتر رود، سرمایه‌ی فرهنگی نیز افزایش می‌یابد؛ چنان‌چه در این پژوهش نیز شهروندان با میزان درآمد در بازه‌ی سه تا چهار میلیون نمره‌ی بالاتری در نگرش به آلودگی هوا داشته‌اند، افراد در این طبقه‌نوعی از سبک زندگی را بر می‌گزینند که سلامت جسم و روان خود را در گرو محیط زیست سالم می‌دانند و در حفاظت و حمایت آن کوشا هستند. از منظری دیگر، در این پژوهش نگرش شهروندان با درآمد کمتر از یک میلیون یا فاقد درآمد به مسائلی که به طور مستقیم به نیازهای اولیه مرتبط نیست از جمله آلودگی هوا، نشان از تأثیر شرایط اقتصادی و اجتماعی بر ادراکات آنان دارد؛ همان‌طور که بوردیو نیز معتقد است ادراکات و نگرش‌های افراد توسط شرایط اجتماعی و اقتصادی شکل می‌گیرد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه پنجم حاکی از معناداری تفاوت که بین شهروندان بومی و شهروندان مهاجر نسبت به نگرش به آلودگی هوا تفاوت معناداری هست. چنان‌که

نتایج پژوهش واقفی و همکاران (۱۳۹۳) نشان از تأثیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی بر رفتارهای اجتماعی زیست‌محیطی دارد.

داوری نتایج حاصل از آزمون فرضیه هفتم نشان می‌دهد که ضرایب همبستگی بین متغیر سبک زندگی و نگرش شهروندان به آلودگی هوا در سطح خطای ۰/۰۱ مثبت و معنادار است. این رابطه معنادار بین سبک زندگی و هر سه بعد نگرش به آلودگی هوا نیز وجود دارد. این فرضیه با یافته‌های پژوهش فرهمند و همکاران (۱۳۹۳) همسویی دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه هشتم حاکی از این است که بین متغیر سرمایه‌ی فرهنگی و نگرش شهروندان به آلودگی هوا همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. این فرضیه در سطح خطای ۰/۰۵ تأیید می‌گردد. چون همبستگی ما در این آزمون مثبت می‌باشد، بدین معناست که هرچه میزان سرمایه فرهنگی در بین افراد بیشتر باشد، آگاهی و نگرش به آلودگی هوا از وضعیت مطلوب تری برخوردار خواهد بود. این نتایج با یافته‌های فرهمند و همکاران (۱۳۹۳)، واقفی و همکاران (۱۳۹۳) و پیترو و جل (۲۰۱۲) همسو بود. بوردیو معتقد است سرمایه‌ی فرهنگی که منبع اساسی برای انتخاب سبک‌های زندگی می‌باشد از طریق جایگاه فرد در ساختار اجتماعی و اقتصادی مشخص می‌شود؛ لذا، شرایط اقتصادی و اجتماعی سبک زندگی و منش افراد را شکل می‌دهد. بر این اساس، می‌توان نتیجه‌ی این فرضیه را این چنین تبیین نمود که سبک زندگی افراد متأثر از سرمایه‌ی فرهنگی، بر نگرش آنان نسبت به آلودگی هوا تأثیرگذار است چنان که افراد با سرمایه‌ی فرهنگی بالاتر نوعی از سبک زندگی را برمی‌گزینند که نسبت به محیط و زمینی که در آن زیست می‌کنند بی‌تفاوت نبوده و از لحاظ رفتاری نیز سعی در کنش‌های مسئولانه دارند، چرا که هوا و زمین پاک لازمه‌ی داشتن زندگی سالم مطابق با استانداردهای طبقه‌ی با سرمایه‌ی فرهنگی بالاتر است.

فرضیه نهم نیز پس از آزمون چنین تأیید شد که بین متغیر شبکه اجتماعی و نگرش شهروندان به آلودگی هوا رابطه مثبت و معناداری وجود دارد که با نتایج پژوهش دوک (۲۰۱۰) همسو می‌باشد اما مصداقی‌نیا و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهش خود نشان دادند

که افرادی که منبع کسب اطلاعاتشان از آلودگی هوا رادیو و تلویزیون بوده، میزان آگاهی‌شان در این زمینه نسبت به دیگر افراد بیشتر بوده است چنان که بوداک و همکاران (۲۰۰۵) نیز رسانه‌های عمومی را در افزایش آگاهی مؤثر می‌دانند.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دهم نشان می‌دهد که بین گرایش شهروندان به سودمحوری و نگرش شهروندان به آلودگی هوا رابطه منفی و معنادار در سطح خطای ۰/۰۵ وجود دارد. می‌توانیم این‌گونه تحلیل کنیم که هرچه افراد به سودآوری و منفعت‌طلبی توجه کنند، نگرش آن‌ها به وضعیت آلودگی هوا سست‌تر، بی‌تفاوت در مشارکت در حفظ محیط زیست خواهد شد. نتایج این آزمون با یافته‌های پژوهش فردوسی و همکاران (۱۳۸۶) در تضاد است. به نظر گیدنز، پیوند سرمایه‌داری و صنعت‌گرایی علت اصلی تباهی زیست‌محیطی جدید است. او معتقد است که مخاطرات زیست‌محیطی به خصوص آلودگی هوا شاخص مدرنیته و جهانی شدن است که مقابله با آن ضرورت جهانی برای نه تنها دولت‌ها بلکه افراد جوامع نیز ایجاد کرده؛ لذا، شهروندان یک جامعه نمی‌توانند تمام مسائل مربوط به آلودگی هوا را به دوش دولت گذاشته و از پذیرش رفتارهای مسئولانه سرباز زنند. در این پژوهش شهروندان به سودمحوری در قبال حمایت از طبیعت، گرایش کمتری داشته‌اند چه در بعد رفتاری و چه در بعد شناختی و احساسی. شهروندان مشارکت‌کننده در این پژوهش، حاضر به چشم‌پوشی از سود حاصل از صنایع کاشی و سرامیک در برابر حمایت و حفاظت از محیط زیست و حتی پرداخت هزینه برای مبارزه با آلودگی هوای ناشی از این صنایع بوده‌اند.

در نتیجه گیری مبتنی بر یافته‌های فرضیات باید گفته شود که عوامل شخصی و زمینه‌ای با عوامل اجتماعی و موقعیتی می‌تواند در نگرش شهروندان به آلودگی هوا در میبد تاثیرگذار باشند. در این بین و در ارتباط با عوامل زمینه‌ای هر چند در نظریه اکوفمینیسم، مساله جنسیت در ارتباط با زیست محیط تبیین گر اجتماعی مهمی هست اما مساله آلودگی هوا در میبد به قدری مشهود و علنی است که فراتر از معیارهای جنسیتی بوده و مورد تایید همگان هست. اما با معیار متغیر زمینه‌ای سن به نظر می‌رسد تفاوت

در اولویتهای زندگی مانند کسب درآمد و افزایش سطح رفاه و مقایسه اجتماعی با سایر افراد از یک طرف و احساس مسئولیت پذیری کمتر امکان توجه به موضوعات زیست محیطی را در جوانان کمتر می دهد در حالیکه با افزایش سن سطح شناخت و آگاهی و تعهدپذیری و مسئولیت پذیری اجتماعی در افراد سالمند، این افراد درمی‌یابند که این طبیعت امانتی در دست آنان برای آیندگان بوده و نباید آن را تخریب کرد. این اصل در مورد افراد متاهل و مجرد نیز صادق بوده و حس مسئولیت پذیری در افراد متاهل برای حفظ محیط زیست بالاتر از مجردهاست.

از طرف دیگر همان طور که زیمل در بحث «غریبه» واژه «خیلی دور و خیلی نزدیک» را بیان می کنند. شهروندان غیر بومی نیز در مقایسه افراد بومی به دلیل عدم تعلق مکانی ممکن هست تعهد چندانی نسبت به الودگی هوا در میبد نداشته باشند. در واقع بودنشان یک نوع حضور فیزیکی هست تا یک تعلق. لذا به طور کلی می توان این گونه تحلیل کرد که شهروندان بومی میبد شناخت و دغدغه بیشتری نسبت به شهروندان غیربومی برخوردار می باشند که این شناخت می تواند به عوامل مختلفی مانند حس وطن پرستی، سطح تحصیلات بالاتر نسبت داد؛ چون مهاجرین به میبد اکثراً از قشر کارگر هستند بیشترین دغدغه آنها یافتن کار و تأمین هزینه‌های روزمره می باشد. و در نهایت اینکه مقوله سبک زندگی و سرمایه فرهنگی در رویکرد بوردیو می تواند به تغییر در نگاه افراد از مسائل مادی به مسائل فرامادی و زیست محیطی تأثیرگذار بوده و یا با تغییر در زاویه دید اجتماعی از طریق تغییر سبک زندگی می تواند معنای متفاوتی را در کنش جمعی رقم زده و چالش‌های زیست محیطی را به دغدغه اصلی تبدیل کند.

### پیشنهادات پژوهشی و کاربردی

توصیه می شود تا تحقیقات مشابهی به صورت تطبیقی در شهرستان میبد و دیگر شهرستان‌ها نیز صورت گیرد.

اکثریت قریب به اتفاق پژوهش‌هایی که در زمینه رفتارهای زیست محیطی صورت

گرفته از نوع کمی هستند. لذا پیشنهاد می‌شود در این زمینه پژوهش‌های کیفی چون پژوهش‌های زمینه‌ای انجام گیرد تا این مسئله به صورت ریشه‌ای بررسی شود. پیشنهاد می‌شود با مطالعات مبتنی بر آینده پژوهشی تغییرات ممکن بررسی شود. پیشنهاد می‌شود در آینده پژوهش‌هایی در رابطه با پیامدها و عواقب ناشی از آلودگی هوا بر گیاهان و حیوانات انجام شود.

برای اثرگذاری و نهادینه کردن رفتارهای زیست محیطی مسئولانه در شهروندان باید از سنین پایین و کودکی آموزش‌های لازم در جهت حفظ طبیعت به افراد داده شود و از آنجا که واسطه‌های اجتماعی شدن نقش زیادی در نوع رفتار شهروندان دارند از این میان نقش مدرسه و خانواده از بقیه پررنگتر است.

توسعه بسته‌های تشویقی جهت جایگزین کردن سوخت‌های گازی پاک به جای سوخت‌های فسیلی با آلودگی زیاد

شبکه‌های اجتماعی که امروزه مخاطبان بسیار بیشتری نسبت به سایر رسانه‌ها دارد لازم است که به ساخت برنامه‌هایی در فضای مجازی و ایجاد شبکه‌های اجتماعی مطابق با فرهنگ و هنجارهای جامعه پرداخته شود که در آن‌ها حقوق شهروندی و جنبه‌های مسئولانه‌ی این حقوق را به افراد آموزش دهد تا افراد به مرور به شهروندانی فعال در اداره امور جامعه‌شان تبدیل شوند.

به دلیل آن که سبک زندگی تأثیر زیادی بر روی رفتارهای افراد دارد، مسئولین باید با برگزاری کلاس‌های آموزشی آگاهی‌محور برای شهروندان به ارتقاء ارزشی سبک زندگی افراد در سطح جامعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بپردازند.

ارتقاء قوانین زیست محیطی جهت استفاده کمتر از سوخت‌های فسیلی و استفاده از فیلترهای تصفیه هوا در کارخانجات صنعتی

استفاده از فن آوری‌های نوین در سازگاری با محیط زیست در صنایع استفاده از انرژی‌های تجدید پذیر از جمله انرژی خورشید، باد، انرژی گرمایی برای تأمین انرژی در مصارف روزمره و صنعتی

### منابع فارسی:

- ابراهیمی‌زارع، آزیتا (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر رفتار شهروندان تهرانی در مقابله با آلودگی هوا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- اسدی، معصومه و مهرابی، محبوبه (۱۳۹۷). بررسی عوامل زمینه‌ای و اجتماعی مؤثر بر رفتارهای زیست‌محیطی شهروندان بندرعباس. پژوهش‌نامه فرهنگی هرمزگان. ۱۱۸-۱۳۴.
- اصیلیان، حسن و همکاران (۱۳۸۶). منابع آلودگی هوا: اثرات، روش‌های کنترل، قوانین و مقررات، استانداردها. تهران: نشر میترا.
- اکبری، غلامعباس، یزدانی، فیروزه و اله‌دادی، ایرج (۱۳۸۶). فرهنگ لغات و اصطلاحات محیط زیست. تهران: جهاد دانشگاهی (واحد تهران).
- امیربیگی، حسن و احمدی‌آسور، اکبر (۱۳۸۸). بهداشت هوا و روش‌های مبارزه با آلاینده‌ها. تهران: انتشارات اندیشه رفیع.
- جهانی، زهرا (۱۳۹۲). بررسی تأثیر نگرش و پارادایم نوین زیست‌محیطی بر رفتارهای زیست‌محیطی (مطالعه‌ی موردی: شهرستان کرمانشاه). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
- حجازی، سیدیوسف، کرمی‌دارابخانی، رؤیا، حسینی، سیده‌محمود و رضایی، عبدالمطلب (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر رفتار محیط‌زیستی اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی استان تهران. محیط‌شناسی. ۴۳(۱)، ۳۰-۱۷.
- خطیبی، محمدرضا (۱۳۹۲). تأثیر متقابل الگوهای رفتاری در احیای هویت محیط شهر (مطالعه موردی محدوده ورودی سنندج). هویت شهر. ۷(۱۳)، ۷۳-۶۳.
- خوش‌اخلاق، رحمان و ستوده‌نیا کرانی، مرضیه (۱۳۹۱). هزینه‌های آلودگی هوا در شهر یزد، فصلنامه اقتصاد محیط زیست و انرژی. ۱(۴)، ۶۵-۴۳.
- دنورز، نوئل (۱۳۸۰). مهندسی کنترل آلودگی هوا. جلد اول: ترجمه ایوب ترکیان و کتایون نعمت‌پور. تهران: انتشارات دانشگاه صنایع و معادن ایران.
- صالحی، صادق و لقمان، امام‌قلی (۱۳۹۱). مطالعه تجربی رابطه آگاهی و رفتارهای زیست‌محیطی (مطالعه مناطق شهری و روستایی شهرستان سنندج). مسائل اجتماعی ایران (دانشگاه خوارزمی). ۳(۱)، ۱۴۷-۱۲۱.

- فردوسی، سیما، مرتضوی، مهناز و رضوانی، نعیمه (۱۳۸۶). رابطه بین دانش زیست‌محیطی و رفتارهای محافظت از محیط. *پژوهشنامه علوم انسانی*. شماره ۵۳، ۲۶۶-۲۵۳.
- فرهمند، مهناز، شکوهی‌فر، کاوه و سیارخلج، حامد (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتارهای زیست‌محیطی (مورد مطالعه: شهروندان شهر یزد). *مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)*. ۴(۱۰)، ۱۴۱-۱۰۹.
- کریمی، یوسف و صفاری‌نیا، مجید (۱۳۸۴). روان‌شناسی اجتماعی و تغییر نگرش مصرف‌کنندگان انرژی. *نشریه انرژی ایران*. ۹(۲۲)، ۸۳-۶۹.
- گیدنز، آتونی (۱۳۸۸). *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*. ترجمه ناصر موفقیان.
- مصدیقی‌نیا و همکاران (۱۳۸۶). بررسی آگاهی ساکنین شهر تهران از آلودگی‌های زیست‌محیطی و عوارض بهداشتی مربوطه و تعیین منابع اطلاعاتی آنان. *فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی لرستان*. ۹(۱)، ۱۳-۳.
- میلر، جورج تایلر (۱۳۸۶). *زیستن در محیط زیست*. ترجمه مجید مخدوم‌فرخنده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- واقفی، الهام و حقیقتیان، منصور (۱۳۹۳). بررسی تاثیر سرمایه فرهنگی (بعد نهادینه) بر رفتارهای اجتماعی زیست‌محیطی با رویکرد توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: شهر شیراز). *اقتصاد و مدیریت شهری*. ۲(۸)، ۶۵-۴۷.

#### منابع لاتین

- Budak, B.D., Budak, F., Zaimoglu, Z., Kekeç, S. and Sucu, Y.M. (2005). Behaviour and attitudes of students towards environmental issues of Faculty of Agriculture, **Turkey. J. App.Sci.**, 5(7): 1224-1227.
- Gifford, R., Nilsson, A. (2014). Personal and social factors that influence pro-environmental concern and behavior. **International Journal of Psychology**. DOI: 10.1002/ijop.12034 · Source: PubMed.

- Katz-Gerro, T., Greenspan, I., Handy, F., Lee, H. Y., & Frey, A. (2015). Environmental philanthropy and environmental behavior in five countries: Is there convergence among youth?. **VOLUNTAS: International Journal of Voluntary and Nonprofit Organizations**, 26(4), 1485-1509.
- Liverani, A. (2009). Climate change and individual behavior: Considerations for policy. **The World Bank**.
- Zarepour, Zahra (2012). Attitudes and Pro-environmental Consumption Behaviour: An Application of a Choice Experiment in the Netherlands. **MASTERS OF ARTS IN DEVELOPMENT STUDIES**.

